«زنگزور» و «داود»
اعلان جنگ خـــاموش با ایـــران

راهگذرهای «زنگزور» و «داود»، پروژه‌هایی زیرساختی بـا ماهیتی ژئوپلیتیکی اســت کــه آرام و بی‌صدا در حال محاصره موقعیت ترانزیتی ایران و بازتعریف نقشه قدرت در منطقه‌اند که در این جنگ، ابزار اصلی نه تسلیحات نظامی بلکه زیرساخت‌های لجستیکی و خطوط ارتباطی است.

در حال حاضر، تحولات زیرساختی و ترانزیتی در منطقه غرب آســیا و قفقاز جنوبی، وارد مرحلــه‌ای تعیین‌کننده شده‌اند. «ابراهیم مجید»، کارشناس مسائل منطقه‌ای، معتقد است که ظهور دو پروژه راهبردی با عناوین «راهگذر زنگزور» و «راهگذر داود» می‌تواند معادلات اقتصادی ایران را در ابعاد منطقه‌ای و حتی جهانی دگرگون کند.

این دو راهگذر که در ظاهر پروژه‌هایی لجستیکی و توسعه‌ای هستند در عمل نقش ابزارهای ژئواستراتژیک برای بازتعریف مسیرهای تجارت انرژی و کالا در منطقه را ایفا می‌کنند و در این مسیر، موقعیت ایران را به‌عنوان یکی از شاه‌راه‌های سنتی ارتباط شرق و غرب به چالش می‌کشند.

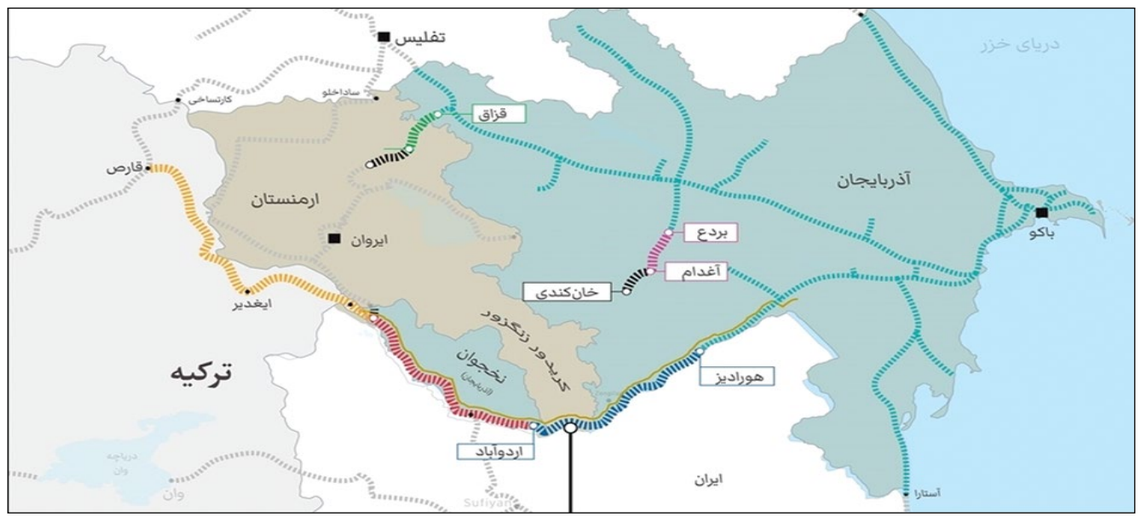

زنگزور؛ حذف ایران از مسیرهای اوراسیایی

راهگذر زنگزور که از اســتان سیونیک ارمنستان عبور کرده و جمهــوری آذربایجان را بــه جمهوری خودمختار نخجوان و ســپس به خاک ترکیه متصل می‌کند؛ در ظاهر پروژه‌ای توســعه‌گرا و ترانزیتی اســت اما در باطن، حامل پیام‌هایی راهبردی است که به طور مستقیم اقتصاد ترانزیتی ایران را هدف قرار داده است.

نقش ســنتی ایران به‌عنوان یکی از گذرگاه‌های امن و ارزان برای ترانزیت انرژی و کالا بین آسیای مرکزی، چین، قفقــاز و اروپا، همواره یکی از مؤلفه‌های کلیدی در جایگاه منطقه‌ای این کشور بوده است. با تکمیل راهگذر زنگزور، این نقش به‌شدت کاهش می‌یابد زیرا ارتباط مستقیم جمهوری آذربایجان با ترکیه و فراتر از آن، با اروپا، بدون نیاز به عبور از خاک ایران ممکن خواهد شد. از منظر اقتصادی، مهم‌ترین پیامــد این پروژه، کاهش درآمدهــای حاصل از ترانزیت و تضعیف موقعیت ایران در پروژه‌هایی مانند ابتکار کمربند و راه چین است. همزمان، این راهگذر به ترکیه و آذربایجان امکان می‌دهد تا در نقش بازیگران مستقل بازار انرژی اوراسیا ظاهر شــوند و با حذف ایران از مسیر خطوط لوله و شبکه ریلی، قدرت چانه‌زنی آن را در بازار منطقه‌ای تضعیف کنند.

معماری موازی برای دور زدن ایران از غرب

در غــرب ایران، پروژه‌ای موازی با عنوان غیررســمی «راهگذر داود» در حال شکل‌گیری است. این مسیر، از اراضی فلسطین اشغالی آغاز شده و از طریق اردن و جنوب سوریه به عراق و به‌ویژه منطقه کردستان عراق امتداد می‌یابد. اگرچه در ظاهر این مسیر بیشتر جنبه‌های امنیتی و نظامی دارد اما زیرساخت آن به‌گونه‌ای طراحی شده که بتواند در آینده به یک کریدور اقتصادی جایگزین برای دسترسی به بازارهای عراق، سوریه و حتی خلیج‌فارس بدل شود.

به لحاظ اقتصادی، این مســیر مزایایی برای اسرائیل و متحــدان آن دارد؛ امکان صــادرات کالا، تجهیزات و حتی خدمات فنی به منطقه‌ای که تاکنون به دلایل ژئوپلیتیکی از دسترس آن‌ها خارج بوده است.

از سوی دیگر، حضور اسرائیل و شرکت‌های وابسته به آن در اقلیم کردســتان عراق، به‌ویژه در حوزه انرژی، با این راهگذر تقویت می‌شــود؛ بدون آنکه ایران یا دولت مرکزی عراق نقشی در مدیریت منابع داشته باشند. ضعف ساختاری اقتصاد سوریه و شکنندگی ساختار حاکمیتی عراق، اجرای این مسیر را ممکن ساخته است.

معماری هماهنگ برای مهار ایران

هرچند ایــن دو راهگذر از لحــاظ جغرافیایی جدا از یکدیگرند اما طراحی عملکرد آن‌ها نشان می‌دهد که ما با یک نقشه هماهنگ‌شده برای بازطراحی مسیرهای تجاری منطقه مواجه هســتیم. زنگزور در شمال، زیرساخت‌های ترانزیتی ایران را در مسیر اوراسیایی به حاشیه می‌راند و داود در غرب، پنجره نفوذ ایران به شامات و عراق را با سازوکاری نظامی- اقتصادی مسدود می‌کند.

این معمــاری دوگانــه، در واقع گویای شــکل‌گیری نوعی جنگ زیرســاختی پنهان علیه ایران است؛ جایی که مســیرهای حمل‌ونقل، خطوط لوله، راه‌آهن و مناطق ویژه اقتصادی در کنار اقدامات نظامی و امنیتی، به ابزاری برای منزوی‌ســازی یک کشور تبدیل می‌شــوند. ایران اکنون با تهدیدی روبه‌روســت که نه در میدان نبرد نظامی، بلکه در صفحه شطرنج تجارت جهانی طراحی شده است.

اقدامات کم‌رمق ایران

در برابــر این روند، جمهوری اســلامی ایران نیز بیکار ننشســته اســت. تلاش برای توســعه راه‌گذر بین‌المللی شــمال- جنوب (INSTC)، تقویت بنادر جنوب‌شرقی مانند چابهار، اتصال ریلی به آسیای‌مرکزی و گسترش همکاری‌های اقتصادی با روســیه و چین، بخشــی از راهبرد تهران برای حفظ موقعیت ژئواکونومیک خود است اما چالش اینجاست که پروژه‌های ایران اغلب دچار تاخیر، کمبود سرمایه‌گذاری خارجی و ضعــف در هماهنگی بین‌نهادی اســت. این در حالی اســت که راهگذرهای رقیب بــا حمایت همه‌جانبه بازیگران منطقه‌ای و جهانی، با ســرعت بیشتری به مرحله اجرا رســیده‌اند یا در حال نهائی‌شدن است. آنچه امروز در قالب دو مسیر ترانزیتی در شمال و غرب ایران رخ می‌دهد به مراتب فراتر از یک رقابت زیرساختی است. این دو راهگذر، نمادهایی از اقتصاد ژئوپلیتیک نوینی است که در آن خطوط ریلــی، راهگذرهای گازی و مســیرهای جاده‌ای، به عنوان مکمل تانک‌ها و ناوها، در معادلات فشار گرفته‌اند. برای ایران، اگر بازتعریف نقش منطقه‌ای در این نظم جدید به‌درستی صورت نگیرد، تضعیف اقتصادی نه از طریق تحریم، بلکه از مسیر حذف تدریجی از شبکه‌های زنجیره تامین منطقه‌ای و جهانی رخ خواهد داد. این تهدید، شاید خاموش و تدریجی باشد اما در نهایت به همان اندازه مخرب است.

خبرگزاری فارس

راهگذرهای «زنگــزور» و «داود»، پروژه‌هایی زیرســاختی با ماهیتی ژئوپلیتیکی اســت که آرام و بی‌صدا در حال محاصره موقعیت ترانزیتی ایران و بازتعریف نقشه قدرت در منطقه‌اند که در این جنگ، ابزار اصلی نه تسلیحات نظامی بلکه زیرساخت‌های لجستیکی و خطوط ارتباطی است.

هرچند ایــن دو راهگذر از لحاظ جغرافیایی جــدا از یکدیگرند اما طراحی عملکرد آن‌هانشان‌می‌دهد که ما با یک نقشه هماهنگ‌شده برای بازطراحی مسیرهای تجاری منطقه مواجه هستیم. زنگزور در شمال، زیرســاخت‌های ترانزیتی ایران را در مســیر اوراسیایی به حاشــیه می‌راند و داود در غرب پنجره نفوذ ایران به شامات و عراق را با سازوکاری نظامی- اقتصادی مسدود می‌کند.

حسابرسی دیجیتال
معماری نوین برای شفافیت مالیاتی

نظــام مالیاتی در هر کشــور، بــازوی اجرایی عدالت اقتصادی، تأمین مالی دولت و ابزار کنترلی بر فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود. در ایران، با گذار اقتصاد کشور از ساختار دولتی به سمت اقتصاد مبتنی بر فعالیت‌های متنوع و بخش خصوصی، نظام مالیاتی نیز نیازمند تحول اساسی در شیوه‌های نظارت و وصول است.

یکی از شــاخص‌ترین این تحولات، حرکت به ســمت سیستمی شدن حسابرسی مالیاتی است؛ تحولی که نه یک انتخاب لوکس، بلکه ضرورتی ناگزیر برای مقابله با فساد، فرار مالیاتی و ناکارآمدی‌های ساختاری تلقی می‌شود.

تجربه کشــورها نیز موید این واقعیت است که باید به سمت یک ساختار حسابرسی مالیاتی هوشمند پیش برویم. در ترکیه، با صدور فاکتور رسمی (e-Fatura)، تا سال ۲۰۱۸ میزان فــرار مالیاتی در اصناف هدف بیــش از ۳۰ درصد کاهــش یافت. در کره جنوبی نیز ســامانه NTS با تحلیل خودکار داده‌ها، موفق شــد در عرض چهار سال، ۹۵ درصد از حسابرسی‌ها را به‌صورت دیجیتال انجام دهد.

چرا تحول؟ تصویر وضعیت فعلی

تا پیش از شروع اصلاحات دیجیتال، حسابرسی مالیاتی در ایران عمدتاً به‌صورت دســتی انجام می‌شــد. مأموران مالیاتی، بر اساس اسناد ارائه‌شده توسط مؤدی و استعلام‌های محدود، به تعیین درآمد مشمول مالیات می‌پرداختند. این روش نه‌تنها در معرض خطای انســانی قرار داشــت، بلکه امکان تبانی، فســاد، تأخیر و بی‌عدالتی در محاسبه مالیات را نیز افزایش می‌داد.

بر اساس گزارش رسمی سازمان امور مالیاتی، در سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۵ درصد حسابرســی‌ها به‌صورت دســتی انجام شده که در بسیاری از موارد فاقد دقت لازم بوده است.

ضرورت‌های دیجیتالی شدن

یکی از ضرورت‌های تبدیل شدن به یک اقتصاد پیشرو، فاصله گرفتن از درآمدهای ناشی از فروش منابع زیرزمینی و افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی است، چرا که این منابع نه تنها اقتصاد را به خام‌فروشــی وابسته می‌کنند و تولید را از بین می‌برند، بلکه اساساً منابع پایداری نیستند و با نوسان درآمدهای صادراتی، اقتصاد را دچار التهاب می‌کنند.

با کاهش وابســتگی کشور به نفت، مالیات باید ستون اصلی تأمین مالی دولت شود. در حال حاضر، سهم درآمدهای مالیاتی از بودجه عمومی کمتر از ۵۰ درصد است، در حالی که این نســبت در کشورهای توســعه‌یافته به بیش از ۷۰ درصد می‌رسد.

ناگفته نماند که نسبت مالیات به منابع بودجه عمومی که در سال ۱۴۰۰ و در پایان دولت تدبیر و امید به کمتر از ۳۰ درصد سقوط کرده بود، با اصلاحاتی که از دولت سیزدهم شروع شد و تاکنون ادامه یافته، در پایان سال ۱۴۰۳ به ۴۸ درصد رسیده است. (نمودار یک)

بنا به گزارش مرکز آمار، حدود ۵۵ درصد مشاغل آزاد و اصناف کشور اساساً اظهارنامه دقیق مالیاتی ارائه نمی‌دهند. این شــکاف تنها با ابزارهای سنتی پرشدنی نیست و برای افزایش ســهم مالیات در منابع بودجه عمومی، چاره‌ای جز سیستمی کردن وصول مالیات وجود ندارد.

یــک الزام مهم دیگــر برای دیجیتالی شــدن وصول مالیات، ایجاد شفافیت و جلوگیری از فرار مالیاتی است. بر اساس اعلام مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی، فقط در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۳۸ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشــور داشته‌ایم که حدود ۱۰ درصد آن، یعنی ۱۴ هزار میلیارد تومان کشف و وصول شده است. البته برآوردهای غیررسمی از فرار مالیاتی بیش از این رقم است.

همچنین، حدود ۴۵ درصــد از فعالیت‌های اقتصادی کشــور در اقتصاد پنهان قرار دارد که امکان شناســایی و حسابرســی دقیق آن‌ها از طریق روش‌های سنتی ممکن نیست.

اهداف مالیات‌ستانی سیستمی

بر این اســاس، اهداف اصلی حسابرســی سیستمی را می‌توان چنین برشمرد:

- کاهــش فــرار مالیاتی: از طریق دسترســی به اطلاعات تراکنشی و بانکی مؤدیان و تحلیل الگوریتمی داده‌ها.
- افزایش سرعت و دقت رسیدگی: میانگین زمان رسیدگی سیستمی به پرونده‌ها تا ۶۰ درصد کاهش یافته است(گزارش عملکرد سالانه سازمان امور مالیاتی).
- افزایش شفافیت: داده‌های حاصل از سامانه‌های فروشگاهی، بانک‌ها، گمرک، املاک و خدمات آنلاین به هم متصل شده‌اند و به‌صورت تقاطعی تحلیل می‌شوند.
- کاهش تبعیض و اعمال‌نظر فردی: با حذف عنصر انسانی از مراحل قضاوتی اولیه، حسابرسی عادلانه‌تر و بی‌طرفانه‌تر انجام می‌شود.

سازوکار حسابرسی سیستمی در ایران

در این مدل، مؤدیان به سامانه مؤدیان متصل می‌شوند. هر تراکنش، فروش، صدور فاکتور یا فعالیت مالی مؤدی به‌صورت خودکار در این ســامانه ثبت می‌شود. سپس، با الگوریتم‌های ریسک‌سنجی، مؤدیان در دسته‌های ریسک پایین، متوســط و بالا تقسیم‌بندی می‌شوند. پرونده‌های پرریسک وارد فرآیند حسابرسی دقیق می‌شوند و مابقی تنها در صورت بروز اختلاف مورد بررسی قرار می‌گیرند. ایــن فرایند، مقدماتی را نیاز دارد. موارد زیر را می‌توان به عنوان پیش‌نیازهای اجرایی سیستم حسابرسی هوشمند بیان کرد:

- داده‌محوری: لازم اســت تمامــی نهادهای اقتصادی(اعم از بانک‌ها، شــرکت‌های دولتی، اصناف و...) به سامانه‌های ملی متصل باشــند و داده‌ها را به‌صورت روزآمد ارائه دهند. اگرچه بسیاری از دستگاه‌ها تا کنون به سامانه مرکزی متصل شده‌اند، ولی متأسفانه در این زمینه برخی اهمال‌کاری‌ها و شــاید هم تضاد منافع در برخی دستگاه‌ها وجود دارد که اجازه نمی‌دهد فرایند حسابرسی سیستمی با سرعت لازم پیش برود.
- قانون‌گذاری شفاف: تصویب و اجرای قوانین الزام‌آور برای ارائه اطلاعات توسط مؤدیان که تقریباً منظومه قوانین این بخش تکمیل شده است. البته با تصویب مالیات بر مجموع درآمد، می‌توان شاهد جهش در این زمینه بود که هنوز در مجلس معطل مانده است.
- آموزش و فرهنگ‌سازی: اطلاع‌رسانی گسترده به مؤدیان درباره فرآیند دیجیتال جدید برای کاهش مقاومت.
- توانمندسازی زیرســاخت‌های فناوری اطلاعات: توسعه امنیت ســایبری و زیرســاخت‌های ابری برای حفاظت از داده‌های حساس مؤدیان.

دو مورد آخر به طور مستقیم وظیفه سازمان امور مالیاتی است که اگرچه اقدامات زیادی صورت گرفته اما به‌ویژه در زمینه آموزش و فرهنگ‌ســازی جای کار بسیار دارد. هنوز بسیاری از مؤدیان آشنایی لازم را با سامانه مؤدیان و تکالیف و حقوق قانونی خود ندارند و همین ابهام، مانع پیوستن آن‌ها به سامانه می‌شود.

چالش‌های پیش رو

بدون شک طی شدن چنین مسیری با فراز و فرودهای بسیار همراه خواهد بود. برخی از این موانع به شرح زیر است:

- مقاومت بخشی از اصناف: برخی صنوف و فعالان اقتصادی نگران شفاف‌سازی اطلاعات مالی خود هستند. بخشی از این مقاومت با آموزش و فرهنگ‌سازی حل می‌شود اما واقعیت این اســت که در برخی موارد، این مقاومت‌ها به علت تضاد منافع است که چاره‌ای جز اعمال قانون باقی نمی‌گذارد.
- ضعف سواد دیجیتال مؤدیان: به‌ویژه در مشاغل سنتی یا کســب‌وکارهای کوچک، نبود آشنایی با نرم‌افزارهای مالی، مانعی جدی است.
- فشــار اولیه بر سیســتم: ورود همزمان میلیون‌ها مؤدی به ســامانه‌ها، در ابتدای کار مشــکلات فنی و پشتیبانی را به همراه دارد.
- نگرانی‌های حقوقی و حفظ حریم خصوصی: برای اجرای موفق، اعتماد مؤدیان به حفاظت از داده‌های آن‌ها ضروری است.

حسابرسی سیستمی نه تنها امکانی فناورانه بلکه ضرورتی اســتراتژیک بــرای اقتصاد ایران اســت. این تحــول اگرچه چالش‌برانگیز اســت، اما در بلندمدت ضمن تقویت پایه‌های مالی کشور، به بهبود اعتماد عمومی، ارتقای فرهنگ مالیاتی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی منجر خواهد شد. سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و فعالان اقتصادی باید همگام با این روند حرکت کرده و با ارائه بازخورد سازنده، مسیر اصلاحات را هموار کنند.

امیرعلی یزدان‌پناه- پژوهشگر اقتصادی

حدود ۵۵ درصد مشــاغل آزاد و اصناف کشور اساســاً اظهارنامه دقیق مالیاتی ارائه نمی‌دهند؛ این شکاف تنها با ابزارهای سنتی پرشدنی نیست و برای افزایش سهم مالیات در منابع بودجه عمومی، چاره‌ای جز سیستمی کردن وصول مالیات وجود ندارد.

میزان فرار مالیاتی در ایران فقط در ســال ۱۴۰۲ از سوی سازمان امور مالیاتی حدود ۱۳۸ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. همچنین، حدود ۴۵ درصد از فعالیت‌های اقتصادی کشــور در اقتصاد پنهان قرار دارد که امکان شناسایی و حسابرسی دقیق آن‌ها از طریق روش‌های سنتی ممکن نیست.

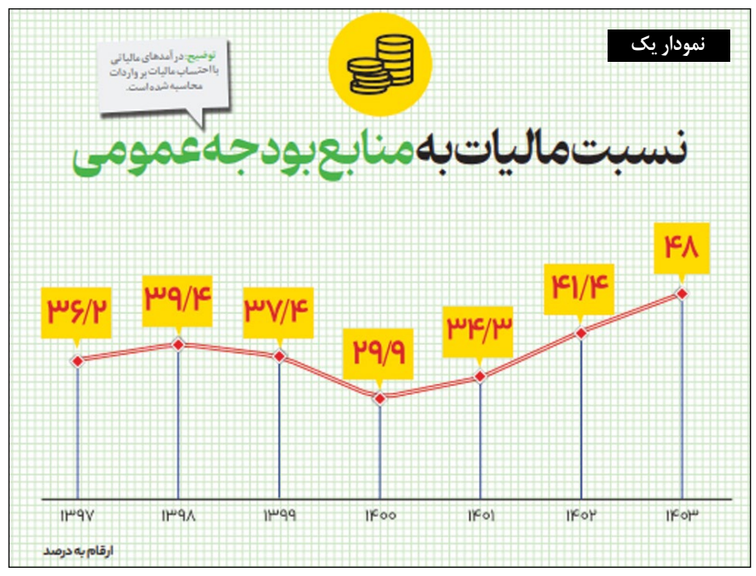

ضرورت تعیین تکلیف توسعه چابهار
با تصمیم گیری درباره بودن یا نبودن هند

در طول ســال‌های اخیر موافقــان و مخالفان حضور هند در چابهار دلایل متعــددی را در این خصوص مطرح کرده‌اند. جمهوری اسلامی در این زمینه در یک «معطلی استراتژیک» قرار دارد و تلاشی برای شفاف‌سازی جوانب دو سناریو «اخراج هند» یا «تداوم همکاری» و در ادامه «اتخاذ تصمیم» از سوی مسئولان امر دیده نمی‌شود. جنگ اخیر تصمیم گیری در این خصــوص را به یک فوریت تبدیل کرده اســت که می‌تواند در تعیین روابط راهبردی با دیگر کشــورها و نقش ایران در نظم جدید منطقه حائز اهمیت باشد.

اولین و پربسامدترین عرصه مواجهه مکران و جنوب‌شرق ایران با تجاوز رژیم صهیونیســتی و آمریکا به کشــور، مسئله حضور طرف هندی در چابهار و آن چیزی اســت که این روزها به صراحت لهجه بیشتری تحت عنوان اخراج هندی‌ها از چابهار خوانده می‌شــود. این در حالی است که موافقین واگذاری که عمر حداقل پنج دولت را در جمهوری اسلامی از سر گذرانده‌اند بعضاً سکوت کرده‌اند و سخنی در دفاع یا رد این مساله به زبان نمی‌آورند. از زمامداری محمود احمدی‌نژاد تا مسعود پزشکیان، موافقین حضور طرف هندی در دستگاه‌های تصمیم‌گیر و اجرایی کشور به کارسازی این حضور پرداخته‌اند.

شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات، معاونت سیاسی رییس‌جمهور، معاونت اقتصادی وزارت خارجه، اداره کل آسیای جنوبی وزارت خارجه وزارت راه و شهرســازی، سازمان بنادر و دریانوردی و... از دستگاه‌هایی بوده‌اند که در این سال‌ها هر یک به اندازه قدرت و نفوذ خود در این مساله نقش‌آفرینی نموده و سهمی از این صحنه نزاع را تصاحب نموده‌اند.

دلائل موافقان حضور هند در چابهار

از جمله دلایل موافقین حضور هند در اپراتوری بندر چابهار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) بازاریابی بندر چابهار توسط طرف هندی جهت توسعه آن؛

۲) اهمیت راهبردی این منطقه برای طرف هندی در اتصال به افغانستان و آسیای میانه (محور شرقی کریدور شمال جنوب)؛

۳) تلقی طولانی مدت دستگاه محاسباتی برخی نهادهای کشــور مبنی بر رقابت گوادر و چابهار و تلاش برای ممانعت از توسعه گوادر توسط طرف چینی؛

۴) همکاری‌هــای ســابق امنیتی و نظامی دو کشــور در پرونده‌های مشترک؛

در طول سال‌های اخیر موافقان و مخالفان حضور هند در چابهار دلایل متعددی را در این خصوص مطرح کرده‌اند. جمهوری اسلامی در این زمینه در یک «معطلی استراتژیک» قرار دارد و تلاشی برای شفاف‌سازی جوانب دو سناریو «اخراج هند» یا «تداوم همکاری» و در ادامه «اتخاذ تصمیم» از سوی مسئولان امر دیده نمی‌شود.

۵) تلقی تحریم ناپذیری چابهار به دلیل حضور طرف هندی و استفاده از این ابزار جهت کاهش فشار تحریم‌ها؛

۶) ایجاد توزان منطقه‌ای بین رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران ناظر به چابهار؛

۷) بیان و ابراز علاقه فراوان هندی‌ها نسبت به توسعه چابهار از سال ۲۰۰۳؛

۸) نبود هیچ پروژه بزرگ مقیاس همکاری با طرف هندی بعد از خروج آنها از میدان گازی فرزادB پس از آغاز تحریم‌ها؛

۹) ابــراز علاقه طرف افغان به اتصــال به اقیانوس هند با مشارکت طرف هندی؛

دلائل مخالفان حضور هند در چابهار

در طرف مقابل کارشناســان متعــددی حضور دارند که با تخصص‌های مختلف، از اقتصاد گرفته تا روابط بین‌الملل، در طول سال‌های اخیر بر ضرورت اخراج طرف هندی و جایگزینی آن با چین سخن به میان آورده‌اند. از جمله دلایل مخالفین واگذاری به طرف هندی نیز موارد زیر حائز اهمیت است:

الف) ایفای نقش پروکســی آمریکا و اسرائیل توسط طرف هندی در چابهار؛

ب) ارســال پالس منفی به طرف چینی در انســداد مسیر ســیپک، کنترل امنیتی گوادر (تشدید تقابل گوادر- چابهار) و بازی در زمین آمریکا جهت سنگ‌اندازی در مسیر BRI؛

پ) بهانه‌تراشــی طــرف چینــی جهت توقــف هرگونه سرمایه‌گذاری در منطقه مکران و در سطح بالاتر مقوم بی‌توجهی به سند همکاری ۲۵ساله؛

ت) واگذاری اپراتوری بندر چابهار به متحد آمریکا و اسرائیل؛

ث) تخصیص بودجه توسعه بندر ذیل گرنت طرف هندی و نه سرمایه‌گذاری واقعی؛

ج) پذیرش و ایفای نقش توسعه‌ای ذیل معافیت تحریمی آمریکا از سوی ایران و ارسال پالس قرارگیری ذیل این معافیت به طرف چینی؛

چ) برهم خوردن همکاری‌های آتی ایران و پاکستان؛

ح) کمک به تســهیل فرآیند توسعه آیمک در ادامه توقف ادامه احتمالی سیپک (توسعه جنوب خلیج‌فارس در برابر عدم توسعه شمال خلیج‌فارس)؛

خ) و درنهایت افزایش مرگبار حملات تروریستی جنوب‌شرق ایران پس از امضای این قرارداد؛

زمان تصمیم‌گیری فرا رسیده است

در شــرایط کنونی زمان آن رســیده اســت که مقامات تصمیم‌گیــر ایران «تصمیم» مطلوبی بگیرند و از این «معطلی استراتژیک» رهایی یابند.

مســیر این جمع‌بندی می‌تواند از پرسش‌های خوب آغاز شــود. پرســش‌هایی که در جنگ معنای دیگری یافته‌اند: آیا ایران به گزینه‌های اخراج یا ادامه مسیر فعلی فکر نموده و برای هر کدام برنامه‌ای دارد؟

اگر ایران ادامه مسیر فعلی را برمی‌گزیند برای خیل سؤالات و اشکالات سیاسی-امنیتی مطروحه پاسخ‌های درخور دارد؟ تجربه حداقل ۱۰ سال گذشته متأسفانه نشان از بی‌اهمیت بودن زمان و از دست دادن پیاپی فرصت‌ها دارد.

اگر ایران ادامه مســیر را بــا اصلاحاتی می‌پذیرد آیا توان دیپلماتیک اصلاحات را داراست؟ آیا می‌تواند طرف‌های مقابل را هر یک به نحوی از قِبَل این پروژه همراه سازد؟ آیا سیاست توازن آنگونه که بیان می‌شود برای این پرونده راهگشاست؟

آیا ایران به فرض پیشــبرد سناریوی اخراج، امکان طراحی مابه‌ازای مشخص سیاسی-امنیتی با طرف مقابل خواهد داشت؟ هزینه‌های این اخراج چیست؟

آیا در صــورت تحقق اراده اخراج، ایــران به طرحی برای چگونگی اخراج و سپس جایگزینی برای سرمایه‌گذاری و توسعه فکر می‌کند؟ آیا معطلی آینده بیش از زمان حاضر خواهد بود؟

شاید در زمانه فعلی از همه سؤالات مهم‌تر این است که در دوران جنگی که ادامه خواهد داشت آیا ایران می‌تواند اخراج را به اهرم فشاری بر رژیم صهیونیستی و آمریکا جهت انتفاع بیشتر کشــور از این مسئله تبدیل سازد؟ آیا این اهرم کاراست؟ اثرات واضح آن روی جنگ چیست؟

سؤالاتی از این دســت البته بسیار می‌توان مطرح نمود و احتمالاً هر یک از کارشناسان پاسخ‌هایی برای آن داشته باشند اما مهم است که دستگاه تصمیم‌ساز جمهوری اسلامی حرکتی جهت طرح سؤالات و جست‌وجوی پاسخ‌های این اقدام انجام دهد.

جنگی که به کشــورمان تحمیل شده است پرونده‌ای بس سترگ و انباشتی از دلایل پیشینی و سناریوهای پسینی است اما «اراده جنگیدن»، اقتضای بازخوانی، بازبینی و استفاده از هر ابزاری را مهیا می‌سازد. بازیگری فعال در کرانه مرتفع اقیانوس هند ابزاری برای نزاع هویتی با اشغالگران کرانه مدیترانه است اگر قدر بدانیم.

مسیر اقتصاد

همکاری بی‌قید و شرط «تتر» با نهادهای آمریکایی و سرنوشت سرمایه ایرانی‌ها

در حالی که شرکت تتر تاکنون هیچ اطلاعیه‌ای درباره کاربران ایرانی منتشر نکرده، گزارش‌هایی از مسدودسازی میلیون‌ها دلار USDT متعلق به آدرس‌های مرتبط با کاربران ایرانی حکایت دارد. برخی منابع حتی از فریز شــدن بیش از ۱۱۲ آدرس رمزارزی در راستای اجرای تحریم‌های آمریکا خبر داده‌اند اما هنوز منبع رسمی این خبرها را تأیید نکرده است.

در پی انتشــار خبر مسدودسازی ۷۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار توکن USDT توســط شرکت تتر (Tether) بر بســتر بلاک‌چین ترون (Tron) به دستور دادگاه فــدرال ایالات‌متحده آمریکا، نگرانی‌ها درباره امنیت دارایی‌های دیجیتال به‌ویژه برای کاربران ایرانی به‌شــدت افزایش یافته است. این اقدام در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۲۵ و بنا به درخواست دفتر دادستانی ایالت جنوبی نیویورک انجام شد و بار دیگر نشــان داد که استیبل‌کوین‌ها با وجود ظاهر غیرمتمرکزشان تحت سلطه نهادهای قضائی و دولتی قرار دارند.

در پی انتشــار خبر مسدودسازی ۷۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار توکن USDT توسط شــرکت تتر (Tether) بر بســتر بلاک‌چین ترون (Tron) به دستور دادگاه فدرال ایالات متحده آمریکا، نگرانی‌ها درباره امنیت دارایی‌های دیجیتال به ویژه بــرای کاربران ایرانی به‌شــدت افزایش یافته اســت. این اقدام در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۲۵ و بنا به درخواست دفتر دادستانی ایالت جنوبی نیویورک انجام شد و بار دیگر نشان داد که استیبل‌کوین‌ها با وجود ظاهر غیرمتمرکزشان تحت سلطه نهادهای قضائی و دولتی قرار دارند.

دلایل فریز دارایی‌ها

اتهام اصلی در این پرونده، مشارکت برخی آدرس‌ها در پول‌شویی و فعالیت‌های مجرمانه از جمله قاچاق مواد مخدر از طریق شبکه ترون اعلام شده است. وزارت دادگستری ایالات متحده برای مقابله با این جرائم دستور مسدودسازی دارایی‌ها را صادر کرده و شــرکت تتر نیز بلافاصله پس از دریافت حکم رســمی، اقدام به فریز دارایی‌های مربوطه کرد. همکاری بی‌قیدوشــرط تتر با نهادهای آمریکایی، نشان‌دهنده میزان کنترل‌پذیری عملیات این شرکت، فارغ از موقعیت جغرافیایی کاربران آن است.

سرنوشت مبهم تترهای ایرانی

در هفته‌های اخیر، همزمان با جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل، گزارش‌هایی مبنی بر هک شدن صرافی نوبیتکس و اخباری در خصوص فریز شدن حساب‌های حاوی تتر در صرافی‌های ایرانی منتشــر شــده است. با وجود این اخبار، تاکنون هیچ واکنش یا شفاف‌سازی رسمی از سوی صرافی‌های داخلی صورت نگرفته و این موضوع فضای ابهام و نگرانی را تشدید کرده است.

براســاس برخی منابع خبــری و فعالان حوزه رمزارز، شــرکت تتر به دلیل سیاســت‌های سخت‌گیرانه در اجرای تحریم‌ها، اقدام به فریز حدود ۱۱۲ آدرس رمزارزی مرتبط با کاربران ایرانی کرده است. برآوردها نشان می‌دهد مجموع تتر مسدود شده، بیش از ۲۰ میلیون دلار بوده است. با این حال، تاکنون هیچ اطلاعیه رسمی از سوی تتر یا صرافی‌های ایرانی درباره این موضوع منتشر نشده است.

سابقه تتر در فریز کردن حساب‌ها

شــرکت تتر پیش از این نیز بارها تحت فشار نهادهای نظارتی و دولت‌های مختلف، حساب‌هایی را به دلیل نقض قوانین یا ارتباط با کشورهای تحت تحریم مســدود کرده اســت. در زمان تنش‌های سیاسی و نظامی نیز این شرکت اقدام به فریز حســاب‌های مرتبط با گروه‌ها یا افراد خاص کرده اســت. از سال ۲۰۱۷ تاکنون، این شرکت صدها میلیون دلار تتر و هزاران آدرس را به دلایل مختلف نظیر هک، جرائم سازمان‌یافته و نقض تحریم‌ها فریز کرده است.

تتر همواره در اطلاعیه‌ها و اسناد رسمی خود اعلام کرده که برای جلوگیری از نقض تحریم‌ها و مقررات بین‌المللی ناچار به همکاری با مراجع قانونی اســت. این سیاست شامل مسدودسازی دارایی‌هایی است که به دلایل امنیتی، حقوقی یا مرتبط با فعالیت‌های تحریم‌شده مورد هدف قرار گرفته‌اند.

توصیه‌هایی به کاربران ایرانی

با توجه به تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده، کاربران ایرانی حتی بدون انجام فعالیت‌های غیرقانونی نیز در معرض خطر فریز شــدن دارایی‌ها قرار دارند. این ریســک به‌ویژه در مورد USDT مبتنی بر ترون (TRC-۲۰) بیشتر است، چراکه این شــبکه به دلیل محبوبیت در کشورهای تحت تحریم، زیر ذره‌بین نهادهای آمریکایی قرار دارد. هرچند تتر روی بلاک‌چین‌های دیگری مانند اتریوم و سولانا نیز فعال است و در آنها هم اقدام به فریز آدرس‌ها می‌کند اما تمرکز روی ترون بیشتر بوده است.

با توجه به اتفاقات اخیر و اخبار منتشرشــده مبنی بر فریز شدن حساب‌های حاوی تتر در صرافی‌های ایرانی کاربران ایرانی باید اقدامات احتیاطی بیشتری را در نظر بگیرند. آنها باید از نگهداری سرمایه در USDT، به‌ویژه روی شــبکه ترون TRC-۲۰ پرهیز کنند و دارایی‌های خود را به جای صرافی‌های متمرکز، در کیف‌پول‌های غیرحضانتی (Non-Custodial) نگهداری کنند.

این اتفاق، به طور کلی باعث کاهش اعتماد به اســتیبل‌کوین‌ها می‌شود و ماهیت سانسورپذیر تتر را برجسته می‌سازد. برای کاربران عادی حتی دریافت یا ارســال وجه به یک آدرس مشــکوک (بدون اطلاع از ماهیت آن) می‌تواند منجر به مسدود شدن دارایی‌ها شود؛ وضعیتی که به‌ویژه برای ایرانیان می‌تواند فاجعه‌بار باشد.

با توجه به اتفاقات اخیر و اخبار منتشرشده مبنی بر فریز شدن حساب‌های حاوی تتر در صرافی‌های ایرانی، کاربران ایرانی باید اقدامات احتیاطی بیشتری را در نظر بگیرند. آنها باید از نگهداری سرمایه در USDT، به‌ویژه روی شبکه ترون TRC-۲۰ پرهیــز کنند و دارایی‌های خود را به جــای صرافی‌های متمرکز، در کیف‌پول‌های غیرحضانتی (Non-Custodial) نگهداری کنند.

همچنین برای تبدیل دارایی‌ها، از DEXها (صرافی‌های غیرمتمرکز) استفاده کــرده و تا حــد امکان از صرافی‌های متمرکز فاصله بگیرنــد. در صورت نیاز به استیبل‌کوین نیز، از ترکیب دارایی‌های مختلف بهره بگیرند و به سراغ پروژه‌هایی با تمرکززدایی بیشــتر مانند اســتفاده از DAI یا LUSD در شــبکه‌هایی چون Arbitrum بروند.

رویداد اخیر، بار دیگر نشان داد که دنیای رمزارزها اگرچه با شعار تمرکززدایی پیش می‌رود اما در عمل بســیاری از پروژه‌ها مانند تتر، به‌شــدت تحت کنترل نهادهای دولتی است. در چن